



۲۰۱۴/۰۷/۲۲

اسیستانت پروفیسور محمد ظریف امین یار

جان کیری با طرحش دولت فاسد تر را برما تحمیل میکند!

انتظار آقای کیری (John Kerry) وزیر خارجه ایالات متحده امریکا نیز به خاتمه میرسد. کیری به کابل رسید و طرحش را برای بیرون رفت بن بست و بحران سیاسی افغانستان ارایه کرد. اما آیا این طرح برای آینده افغانستان کارا است؟ سؤالیست که اکثریت جمعیت افغانستان منتظر پاسخ آن است. بیابید طرح آقای جان کیری را بطور خلص تجزیه و تحلیل نمائیم:

خلاصه طرح کیری:

۱. شمارش و حسابرسی/تفتیش مجدد تمام آراء (100 Percent Audit of the Votes):

نخستین جز طرح کیری شمارش و حسابرسی مجدد آرای ریخته شده است. به ظاهر دلیل اینکار بوجود آوردن شفافیت (جدا کردن رای پاک از ناپاک) در انتخابات و اعتباردهی برای کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان است. اما از نظر تخنیکی تا چه اندازه شمارش و حسابرسی مجدد آراء مؤثر بوده میتواند، میتوان بعد از اندک تعمق پی برد. اگر چنین فرض گردد که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان در تقلب و تخلف انتخابات ۱۳۹۳ سهمیم بوده است، پس آیا شمارش و حسابرسی مجدد توسط همان کمیسیون تقلب کار منطقی خواهد بود؟ اگر استدلال شود که ناظرین بین المللی و ناظرین هردو تیم نیز اکنون از پروسه نظارت میکنند، و جامعه بین الملل بر اساس تکنیک ها و معیار های بین المللی (International Techniques and Standards) این کار را مدیریت میکنند، در جوابش میتوان نوشت که اگر کمیسیون تقلب کار است تا اکنون بعید نیست که راه پنهان کردن این جرم را نیز مهندسی نموده باشند؛ بنابر این شمارش و حسابرسی دوباره هیچ دردی را دوا نخواهد کرد. **نقطه دوم** اینست که چگونه آقای داکتر عبدالله عبدالله باوجودیکه همواره از مهندسین مثلثی (کرزی، کمیسیون و اشرف غنی احمدزی) حرف میزد امروز بالای همان مثلث یکبار دیگر اعتبار میکند! **نقطه سوم** در مورد ناظرین بین الملل است. در دور اول و دوم نیز این ناظرین حضور داشتند، اما باوجود حضور آنها انتخابات به بحران کشانیده شد. حالا دیگر چه تفاوت بمیان آمده است که این ناظرین گویا ظرفیت نظارت این پروسه را به یکبار کسب نموده باشند. از همه این حرفها بیشتر مسخره کلمه حسابرسی یا تفتیش ۱۰۰ فیصد است. بعنوان یک حسابرس همچو کلمه را تا حال در فرهنگ حسابرسی (Auditing) متوجه نشده ام. منظور از صد فیصد حسابرسی یعنی اصلاً انتخابات قابل اعتبار نبوده پس چرا باید اینرا حسابرسی یا تفتیش نام داد چرا لغو پروسه خطاب نمائیم؟ گفته میشود که شمارش آراء و حسابرسی مجدد آراء فقط خاک انداختن به چشمان مردم یعنی فریب دادن ملت است و محض یک درامه (Drama) برای مشروعیت دهد دولت آینده است.

۲. تشکیل دولت بر اساس وحدت ملی (Government Based on National Unity):

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آن لاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

مهمترین جز طرح کیری تشکیل دولت آینده افغانستان بر اساس وحدت ملی است. باوجودیکه تا اکنون تعریف واضح از دولت بر اساس وحدت ملی وجود ندارد و هنوز هم ملت منتظر است، بآنهم هردو تیم معتقد آنست که منظور دولت بر اساس وحدت ملی سهم ساختن طرف بازنده در تشکیل دولت آینده است. نظر به گفته های تازه آقای محقق هر طرف که بازنده اعلان شد میتواند رییس اجرایی دولت (Executive President) را بگزیند و نیز سمت رییس اپوزیشن (Opposition) را اشغال نمایند. محقق باورمند است که بعد از گذشت دو سال سمت رییس اجرایی دولت به صدراعظم (Prime Minister) مبدل خواهد شد که اینکار نیازمند تعدیل در قانون اساسی افغانستان بعد از فراخوان لویه جرگه امکان پذیر است. به همین ترتیب در انتخاب دولت آینده نیز هردو طرف سهم میباشند. سوالات که در مقابل این جز طرح کیری بوجود می آیند اینست، منظور از برگزاری انتخابات چیست؟ اگر انتخابات برای تعیین دولت مردمی است که بر اساس اراده مردم بوجود می آید پس پیامد انتخابات بدون تردید نیز تمثیل کننده وحدت ملی خواهد بود، زیرا نیاز به تشکیل وحدت ملی مصنوعی (Artificial National Unity) را ندارد. مردم انتخاب خود را کردند و رییس جمهور آینده نیز بر اساس همان رأی پاک مردم بمیان می آید، پس تشکیل دولت بر اساس وحدت ملی یعنی چه؟ از جانب دیگر سمت رییس اجرایی دولت در چارچوب قانون از کجا مجاز است و چه صلاحیت خواهد داشت، در حالیکه در قانون اساسی کشور حتا ذکر آن نیست. سوال دیگر اینست که چرا باید اپوزیشن در تشکیل دولت سهم باشد توجیح حقوقی آن در نظام کنونی کشور از کجا شد؟

۳. تطبیق ستراتیژی برنده "برنده" (Win Win Strategy):

آخرین جز مهم طرح آقای کیری پیشنهاد ستراتیژی برنده "برنده" است. یعنی برنده هم برنده و بازنده نیز برنده است. اما آیا طرح مزبور در انتخابات قابل اجرا و تحمل است؟ پاسخ آن منفی است بلی این طرح در میکانیزم انتخابات هیچگونه مفهوم به جز معامله یا سیاست بازی را بیان نمیدارد. در صورت متداول همانطوریکه میدانید تیم برنده دولت را تشکیل میدهد و تیم بازنده تشکیل دهنده اپوزیشن میباشد، هر نوع امتیازات دیگر خلاف اصل انتخابات است.

آیا طرح آقای کیری یک طرح کارا (Efficient) است؟

۱. از بعد سیاسی و حقوقی (From Legal and Political Perspective):

اگر طرح آقای کیری را در چارچوب حقوقی ارزیابی کنیم، کاملاً یک طرح مسخره خواهد بود و به هیچ عنوان توجیح حقوقی آن وجود ندارد. مثلاً تشکیل دولت بر اساس وحدت ملی، سمت رییس اجرایی دولت و صلاحیت های اپوزیشن در گزینش افراد دولت آینده، همه آن خلاف قوانین افغانستان است. جناب استاد فیض الله جلال استاد کابل پوهنتون باورمند است که دولت بر اساس وحدت ملی به معنای دولت بر اساس وحدت پولی است که تمویل آنرا امریکا به عهده دارد. در بدنه سیاسی نیز این طرح از چند بعد مشکل دارد. مثلاً امریکا میتواند این کار را بدون رسانه یی ساختن حل کند اما نه امریکا میخواست دولت افغانستان را احسان مند خود بسازد تا همواره در همچو موارد متکی امریکا

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

باشد. گفته میشود که امریکا عمداً انتخابات را به بحران میکشاند و برای حل آن به راه های رسانه یی میپردازد. از دیدگاه امریکا این یک حرکت سیاسی بود، اما تأثیرات منفی آن در بین جمعیت افغانستان واضح دیده میشود. مثلاً بعد از آمدن کیری همه مردم افغانستان احساس کردند که افغانستان یک کشور مستقل نیست، دولت ما از عناصر مصنوعی و شکننده تشکیل یافته است و هر زمان در معرض خطر شکست است. ما تا اکنون ظرفیت به راه اندازی و مدیریت پروژه های ملی را متأسفانه نداریم. همچنان ناکامی انتخابات افغانستان در روابط بین الملل و دیپلوماسی (Diplomacy) چنان افغانستان را ضربه میزند که جبران آن نیازمند وقت کافی و دولت مقتدر و مستقل میباشد. یگانه پابینت (Point) مثبت آمدن کیری به افغانستان از نقطه نظر سیاسی اینست که تعهد همکاری ستراتیژیک (Strategic) امریکا را با افغانستان تثبیت میکند.

۲. از بعد دموکراسی (From Perspective of Democracy) :

ناکامی در انتخابات ۱۳۹۳ نشانگر ناتوانی مدیریت دولت از پروژه های ملی است و همچنان نشان میدهد که افغانستان تا هنوز آماده تطبیق دیموکراسی نیست. طرح آقای کیری از یکطرف خلاف قوانین افغانستان است از طرف دیگر وجود دیموکراسی را در افغانستان زیر سؤال میبرد. چنان دیموکراسی را ضربه میزند که مردم حتا از نام انتخابات متنفر شده اند و معتقد هستند که حرف زدن از دیموکراسی در افغانستان در اوضاع کنونی قصه مفت است. امریکا که خود را مدعی دیموکراسی در جهان میداند و یکی از علل حمله بر افغانستان نیز نهادینه ساختن دیموکراسی بود امروز خودش زخم را بر وجود دیموکراسی میزند که بزودی قابل جبران نخواهد بود.

۳. از بعد حکومتداری آینده (From Governance Perspective) Future :

همه میدانیم که تیم های انتخاباتی چگونه تشکیل شده اند. در افغانستان متأسفانه احزاب سیاسی (Political Parties) چنان از بین رفته اند که حضور آن در کارزار های سیاسی حتی احساس نمی شود. اعم تیم اصلاحات و همگرایی و نیز تیم تحول و تداوم بر اساس معاملات چوکی ها و منافع انفرادی یا گروهی بوجود آمده است. بخصوص این حرف در مورد تیم اصلاحات و همگرایی صحت است، چون این تیم از ایدیالوژیهای غیر متجانس (Incongruent Ideologies) و تشکیل نا هماهنگ برای بدست آوردن قدرت بمیان آمده است. از محقق گرفته تا نور، صالح زلمی رسول، سیاف، اسماعیل خان، محمود کرزی، محمد خان و شیرزی همه اینها بر اساس معاملات تجاری و تجزیه و تحلیل مفاد و ضرر انفرادی داخل این تیم حضور دارند. حالا اگر طرح کیری تطبیق شود به همه اینها که فاسد ترین و بدنام ترین چهره های افغانستان هستند بدون نظر داشت اصل شایسته سالاری باید چوکی تخصیص یابد. اینجا است که اصل "کار به اهل کار" (The right person for the right job) که اساسی ترین بحث داکتر صاحب اشرف غنی احمدزی بود ضرب صفر میشود؛ این خود در بلند مدت بحران زا است. به همین ترتیب در داخل تیم تحول و تداوم نیز اینگونه تقسیمات صورت میگیرد که در نتیجه "دولت که بمیان خواهد آمد فاسد تر از دولت کرزی خواهد بود". وجود دو قدرت موازی در داخل دولت آینده افغانستان زمینه تطبیق بازی تام و

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

جیری (Tom and Jerry) را برای امریکا سهل میسازد. بر اساس نظریات فرهیخته گان، تحلیلگران و کارشناسان مسأله سیاسی امریکا قصاداً در وضعیت حاضر نمی خواهد افغانستان صاحب یک دولت مقتدر و خود کفا باشد. در چنین وضعیت وعده های را که بخصوص رهبر تیم تحول و تداوم به ملت داده است نه تنها که تحقق نخواهد یافت بلکه ملت افغانستان شاهد یک دولت فاسد تر خواهد بود. اگر دولت آینده افغانستان بر اساس اصول بین المللی حکومتداری خوب نظیر حاکمیت قانون، شفافیت، شایسته سالاری، مؤثریت و کارایی، اعتدال و برابری بمیان نه آمد، بعید است که این دولت ایتلافی یا شرکت سهامی بیشتر از چند سال محدود استمرار داشته باشد. حالا اگر فرض گردد که آقای داکتر صاحب اشرف غنی احمدزی به تیم اصلاحات و همگرایی در دولت کمتر سهم دهد و یک حکومت مقتدر را تشکیل دهد و خودش نیز توانمندی رهبری و مدیریت را داشته باشد امکان دارد ما دولت بهتر از امروز را تجربه نمائیم (نه آنچیزیکه در Manifesto تیم تحول و تداوم نشر شده است)، در غیر آن اگر در دولت آینده افغانستان به تیم اصلاحات و همگرایی سهم بیشتر در نظر گرفته شود، بعید است که افغانستان شاهد دولت کارا باشد. کارشناسان معتقد هستند که ثبات سیاسی و حکومتداری خوب در افغانستان تابع عدم حضور تیم اصلاحات و همگرایی در دولت آینده افغانستان است. به هر اندازه که سهم بیشتر به این تیم داده شود به همان اندازه کشور به بی ثباتی و بحران خواهد رفت.

خلاصه اینکه طرح آقای کیری نه تنها از نظر حقوقی و سیاسی مشکل دارد، بلکه دیموکراسی را نیز در افغانستان ضربه میزند. اعتبار دولت کم و بیش ۱۴ ساله افغانستان را خدشه دار ساخت، ملت افغانستان را احساس اسارت میبخشد و رهبران این دو تیم را اجند (Agent) امریکا معرفی میکند. رهبران که همواره از استقلالیت، دیموکراسی، آزادی و جهاد حرف میزدند امروز به بسیار بیشرمی با آرای پاک مردم معامله انجام میدهند و در کنار وزیر خارجه امریکا مانند مرغهای تربیه شده قرار میگیرند و منتظر حرفهای مرشد میباشند. همان داکتر صاحب اشرف غنی که همواره میگفت ما شرکت سهامی (Corporation) نمی خواهیم و سیاست معامله تجاری نیست امروز به ظاهر در پشت پرده از همه این حرف ها میگذرد که نه تنها جفا در حق مردم است بلکه شخصیت خود را نیز خدشه دار میسازد. اما از داکتر صاحب عبدالله عبدالله پیش از پیش انتظار معامله به رأی مردم را داشتیم. همانطوریکه در مقاله قبلی ام نوشته بودم که در اغلب امکان داکتر صاحب عبدالله برای بار دیگر نیز با رأی پاک مردم معامله میکند درست همانطور شد. همه سخنان را که میگفت: ما خواهان حق هستیم، دنبال قدرت نیستیم، معامله نمی کنیم، قطعه قطعه اگر شوم از یک رأی پاک مردم دفاع میکنیم، جانم را فدای مردم میکنم، دولت موازی تشکیل میدهم و ... امروزه گفته میشود که به قیمت توت و تلخان آرای پاک مردم را برای بار دیگر بفروش میرساند. با اینکار نه تنها به افغانستان جفا میکند بلکه شخصیت خود را تقرب به صفر قرار میدهد و فرصت های آینده را از دست میدهد.

بعد از تحلیل دقیق از اوضاع حاضر افغانستان میتوان به راحتی به این نتیجه رسید که امریکا در حال حاضر به هیچ عنوان خواهان یک افغانستان مستقل، مقتدر و خود کفا نیست. امریکا نمیخواهد یک دولت مقتدر و مردمی بوجود بیاید زیرا آنها هراس از بین رفتن سرمایه گذاری کم و بیش ۱۴ سال خود را دارند. با نظر داشت این همه حقایق دولت که بوجود خواهد آمد من سخت باورمند هستم که فاسد تر از دولت کرزی خواهد بود. به امید دولت بهتر از امروز...

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ